

تحول در نفت جهان

Walter Levy

- ۲ -

تولید
بیش از اندازه
نفت خام

فشار در ازدیاد سریع محصول نفت خام خاصه برای شرکت‌های تازه وارد پارسنگینی است، زیرا منابع و امکانات مالی آنان معمولاً با امکانات مالی رقبای بزرگشان به یک اندازه نیست. بنا بر این احتیاج آنها به تأمین هزینه‌های مربوط به توسعه و اکتشاف بیشتر است. این شرکتها معمولاً در کار پالایش و فروش سرمایه چندانی نگذاشته اند و به همین دلیل ممکن است آنقدرها بی‌میل نباشند که در فروش مواد نفتی خود به رقابت شدیدی دست زنند.

شرکت‌های بزرگ نفتی به رغم وضع کنونی بازارهای نفت خام، چون تازه واردان در جستجوی نفت بیشتر هستند. شرکت‌های بین‌المللی بزرگ که سرپای خود ایستاده‌اند هر ساله مبالغ هنگفتی برای یافتن نفت صرف می‌کنند. دلیل مهمش آن است که این شرکتها در نقاط مختلف، طبق قرارداد هائی به طور صریح یا ضمنی، حد اقل برنامه‌های حفاری را تعهد کرده اند.

همچنین رقابت‌های مسری، شرکتها را وادار می‌کند که با داشتن بازارهای دور دست، صرفاً به خاطر عرضه کردن فرآورده‌های مختلف نفتی، به منظور جلوگیری از ورود رقبای دیگر به بازارهای نو و دست‌نخورده و در عین حال برای دوام و بقای سازمان و تشکیلات خود، به عملیات اکتشافی مداوم بپردازند.

در سالهای اخیر شرکت‌های متوسط و کوچک خاصه شرکت‌های متوسط و کوچک امریکائی، که قبلاً تا اندازه زیادی کاوشهای نفتی را در کشور متبوعه خود عملی می‌ساختند به واسطه اعتصاب‌های بزرگی که موجب ایجاد اختلال در کار نفت می‌شود، تا حد زیادی نظر خود را به اکتشاف در مناطق خارجی متوجه ساخته‌اند. این شرکتها نیز در اثر منافعی که به واسطه عملیات تولید در دوره رونق

بازار نفت یعنی بعد از جنگ، نصیبشان شده است به این عملیات دست‌زده‌اند. و این شرکتها خاصه شرکت‌های امریکائی که برای افزایش ذخائر داخلی خود مواجه با صرف‌هزینه‌های روزافزون هستند صرفاً به موضوع در دست داشتن ذخائر کافی در آینده توجه دارند. سیاست‌های داخلی نیز نقش بزرگی را در توسعه دامنه اکتشاف بازی کرده

است. بسیاری از کشورها کاوشهای نفتی را در داخل کشورشان صرفاً به منظور ذخیره ارزش خارجی و تحصیل امنیت بیشتر و بالا بردن حیثیت ملی خود تشویق کرده‌اند. کشورهائی که هم اکنون جزو تولیدکنندگان بزرگ هستند در نقاط جدیدی امتیاز هائی به دست آورده‌اند و موفقیت آنها به واسطه رقابت در تقدیم پیشنهادات مناسب، چون دادن پذیره اولیه و به خاطر تحصیل عواید سرشار در آینده، می‌باشد.

به طور خلاصه اگر از لحاظ عرضه بنگریم همیشه جهات و دلائل مهمی وجود دارد که موجب تولید و فروش نفت خام ارزان قیمت مناطق تولیدی بزرگ گردیده است. به علاوه وسعت و گنجایش دائم‌التزاید منابع جدید و اثر فعالیت تازه واردان

از نظر تولید در کشورهای خارجی و تقاضای دولت‌ها جهت افزایش محصول در هر يك از کشور های تولیدکننده موجب تولید و فروش نفت خام ارزان قیمت گردیده است .

تمرکز در بازارهای محدود اما از لحاظ تقاضا که بنگریم ، تولید اضافی متمایل به تمرکز در بازارهای نسبتاً محدود است .

این امر ، فشار بر روی قیمت نفت خام محصولات نفتی را در این بازارها تشدید می کند . این تمرکز ، موجب تعمیم تخفیف های معمول بر قیمت های اعلان شده و افزایش سرمایه گذاری در پالایش و فروش به منظور به دست آوردن بازارهای نفت خام یا حمایت آنها می گردد . به طور کلی تولیدکنندگان مستقل نفت خام ، محصولات خود را فقط به پالایشگاه‌هایی می فروشند که به شرکت های بزرگ نفتی بستگی ندارند . چون این پالایشگاهها ، بازارهای محدود و معینی برای فروش مواد تصفیه شده خود دارند ، تولیدکنندگان مستقل نفت خام مجبورند هنگام اضافه تولید ، امتیازهای زیادی برای تهیه و تصفیه کردن عرضه اضافی به این پالایشگاهها بدهند .

دادن این امتیازها ، علاوه بر تخفیف مستقیم در قیمت های اعلان شده ، به نحوه های دیگری هم ممکن است . ترتیب شرکت در منافع ، انتشار اوراق قرضه با نرخ بهره کم ، تصفیه یا حمل مواد نفتی کمتر از هزینه تمام شده همه اینها امتیازاتی است که به حسب موقعیت داده می شود . فروشندگان قدیمی خواه و ناخواه برای از دست ندادن مشتریان خویش ، به مبارزه با فروشندگان مستقل بر می خیزند . دسترسی به نفت خام بسیار ارزان ، و تحت فشار بودن برای تولید مقادیر اضافی ، و دارا بودن امکانات مالی بسیار زیاد ، همه عواملی است که موجب می شود فروشندگان قدیمی بتوانند با پیشنهادات فروشندگان مستقل رقابت کنند .

بار سنگین نفت خام اضافی ، منجر به سرمایه گذاری های قابل ملاحظه در امر تصفیه و فروش نفت که در شرایط عادی میسر نبود گردیده است . پالایشگاههای جدید در بازارهایی ساخته می شوند که ظرفیت کنونی آنها شاید از نظر اقتصادی بیشتر برایشان مناسب بوده است . شرکت های قدیمی این کار را به خاطر حمایت از فروش نفت خامشان انجام می دهند در حالی که تازه واردان این پالایشگاهها را صرفاً به منظور تهیه « بازار » برای محصولاتشان می سازند .

دسترسی به نفت خام ارزان از منابع مختلف ، به نوبه خود به پالایشگاه های مستقل (یا به فروشندگان مستقل با به کار بردن ترتیب های خاصی در عمل) اجازه خواهد داد که محصولات آماده شده خود را هنگام رقابت مستقیم با شرکت های تصفیه کننده و فروشنده واپسته به شرکت های که نفت خام به آنها فروخته اند ، ارزانتر بفروشند . هر چند مقادیری که این تصفیه کنندگان مستقل تصفیه می کنند ممکن است آنقدرها زیاد نباشد که تکافوی بازار را بکند ، ولی با وجود این ، ممکن است تأثیر آنان در بازار به حدی باشد که فروشندگان عمده ، به منظور حفظ مشتریان قدیمی خود ، مجبور به پائین آوردن قیمت ها شوند .

تقلیل قیمت های محصولات نفتی به نوبه خود در عواید این دسته (فروشندگان و تصفیه کنندگان بزرگ که شرکت های عمده بین المللی هستند) مؤثر واقع می شود و حتی گاهی موجب زیان های بسیار می گردد .

در عین حال به سبب کوشش بعضی از کشورهای مصرف‌کننده مهم نفت، در توسعه منابع در داخل، یا در مناطق دست‌نشانده بازارهای فروش مواد نفتی محدود تر شده است. در این موارد می‌توان آرژانتین و فرانسه را مثال آورد. زاین نیز ممکن است امتیاز تولید مقادیر مهمی از نفت « ملی » فلات قاره را در خلیج فارس به دست آورد. در ممالک متحد آمریکا، وضع قوانین مربوط به نظارت بر واردات نفت، موجب شد که شرکت‌های مختلف امریکائی که مبادرت به تولید نفت در خارج کرده بودند، به پالایشگاه‌های داخلی کمتر دسترسی یابند.

در نتیجه، بار سنگین اضافه تولید متمایل به چند بازاری می‌باشد که دسترسی به آنها آسان است. تمام این عوامل از حساسیت قیمت‌های اعلان شده در قبال تغییرات عرضه و تقاضا می‌کاهد. زیرا تعادل بین عرضه و تقاضا در یک دوره کوتاه، از طریق مکانیزم قیمت عملی می‌گردد، و قیمت‌های نفتی ممکن است با این وصف، به یک سطح نازل، حتی کمتر از هزینه عملیات تولید کلی (جز در مورد چند منبع سرشار پر منفعت) سقوط کند.

این امر به آن معنی است که قسمت‌های بزرگی از صنعت نفت، و همچنین قسمت‌هایی از صنایع دیگر مربوط به سوخت چون ذغال، خواه و نا خواه تعطیل شوند. از این رو اکتشاف و توسعه نفت لطمه خواهد دید، و مصرف به‌بهای بسیار ارزان، به بهای از دست رفتن منابع نفتی آینده تمام خواهد شد. و به طور کلی این موضوع از لحاظ اقتصادی سبب هدر رفتن منابع کوچک می‌گردد.

در واقع تعدیل اقتصادی، از طریق خرابکاری در بازار، به طور روشنی غیر قابل تحمل است. زیرا این موضوع برای تمام کسانی که با بازار سروکار دارند زیان آور می‌باشد. صنعت نفت و دولت‌های کشورهای تولیدکننده نفت طبیعتاً سعی دارند که از چنین عواقب سوئی احتراز کنند. دولت‌های کشورهای تولیدکننده نفت که قیمت‌های اعلان شده مبنای تعیین میزان مالیات آنها است، در قبال هر گونه تقلیل قیمتی از طرف شرکتها مقاومت کرده‌اند.

بسیاری از کشورهای مصرف‌کننده نیز تصمیم دارند از پاشیده شدن صنایع سوختی داخلی خویش جلوگیری کنند، به نیروهای اقتصادی که عموماً عامل تعدیل و تنظیم فعالیت‌های یک صنعت است، در مورد صنعت نفت، نه تنها باید عوامل تجاری و طبیعی را افزود، بلکه به همان درجه نیز، باید به ملاحظات سیاسی و سوق الجیشی و سازمانی توجه کرد.

با جریان نفت شوروی به بازارهای دنیا و تأثیر آن در تجارت جهانی به عنوان عاملی مهم، بار اضافه تولید در بازارهای مختلف سنگینتر شده است. صادرات نفت

از طرف بلوک شوروی به جهان غیر کمونیست از ۵ میلیون تن در سال ۱۹۵۵، به حدود ۲۳ میلیون تن در سال گذشته افزایش یافت. انتظار می‌رود که روسها بتوانند در سال ۱۹۶۵ به میزان دو برابر صادرات خود در سال ۱۹۶۰ نفت صادر کنند. به موازات بهره برداری از ذخائر مهم نفت شوروی، ممکن است تولید مشتقات مایع، گاز طبیعی نیز توسعه یابد، و طرح توسعه تولید گاز طبیعی، تولید نفت را از جهت صادرات، بیشتر خواهد کرد.

با مقادیر فراوان تولیدی، که از نواحی نسبتاً جدید نفت خیز به دست

می آید ، حد متوسط هزینه تمام شده نفت شوروی ظاهراً پائین است . ثانیاً به علت آنکه قسمت عمده تولید نفت شوروی ، به بازارهای حمایت شده در روسیه و کشورهای کمونیست جریان می یابد ، هزینه تولید اضافی جهت صادرات ، بسیار کم است . به علاوه محاسبه قیمت تمام شده در روسیه ظاهراً با روش تجاری غرب در عمل فرق دارد ، زیرا روسها در وضعی قرار دارند که هزینه های تمام شده را طبق ارزشهای تعیین شده از لحاظ سیاسی در نظر می گیرند . آخر ، به نظر می رسد که با کار ارزان و سرمایه کمی که روسیه ، در مقام مقایسه با کالاهائی که در برابر نفت دریافت می کند ، به کار می برد صادرات نفت خاصه برای آن کشور ، از نظر تحصیل درآمد ارزی منبع مهمی است .

با این ترتیب روسها از نظر رقابت در قیمت در موقعیت مناسبی هستند . ازین گذشته تنزل قیمت در بازرگانی نفت روسیه ، همیشه ، هر موقع که لازم باشد موفقیت آمیز و امری عادی است . در عین حال چون قیمت مواد نفتی در داخل روسیه و کشورهای کمونیست دیگر بیش از قیمت نفت صادراتی است ، ازین رو روسها می توانند یک سیاست تعیین قیمت انتخابی داشته باشند .

در مواقعی که تنها رقابت در قیمت برای موفقیت آنها کافی نباشد ، روسها به انعقاد قرارداد دو جانبه برای فروش نفت خود مبادرت می ورزند . تمایل و علاقه روسها به قبول پولهای رایج محلی در پرداخت های خارجی ، و معاملات پایاپای ، امتیاز تجاری مهمی برای مسئله موازنه در پرداختهای کشورهایی همچون کشورهای توسعه نیافته آسیا و آفریقا و امریکای لاتین است .

تأثیر جریان نفت روسیه به بازار ، در مواقع اضافه تولید فراوان ، به مراتب از آنچه حجم صادرات این کشور به تنهایی نشان می دهد بیشتر است ، و این مسئله تنها جنبه رقابت تجاری ندارد ، زیرا روسها کاملاً اذعان کرده اند که نفت وسیله ای جهت پیشرفت سیاست ملی آنهاست . آنان آماده اند که هزینه نفت را در مواقعی که احتمال قطع مناسبات بین حکومتهای مختلف و صنایع غرب پیش می آید ، به کار برند ، یا به منظورهای سیاسی از آن استفاده کنند .

با داشتن چنین منظورهائی نسبت به غرب روسها متوجه اند که علاوه بر تحصیل امتیازاتی که از لحاظ بازرگانی به دست می آورند ، فعالیتهای نفتی بین المللی آنها به عنوان یک سلاح مؤثر در جنگ سرد تا چه حد مؤثر است ، هر چند این امر موجب تقویت بنیه اقتصادی آنها نیز خواهد شد .

اقدام به هر گونه صادرات نفت از طرف روسها منجر به بروز تأثیرات نامطلوبی می شود که خود سبب تضعیف اصول اقتصادی در عملیات تجاری نفت می گردد و مسلماً مشکلی بزرگ و دائمی به بار خواهد آورد . البته این مشکل تنها برای کشورهایی که وارد کننده مقادیر زیادی نفت از روسیه می باشند ایجاد خواهد شد .

هر گاه روسیه تصمیم به قطع صادرات نفتی خود بگیرد (مثلاً در امر بحران سیاسی ای که منجر به عدم دسترسی به سایر منابع نفتی گردد) مسئولیت تهیه مقادیر زیادی نفت به دوش ملل غرب خواهد افتاد .

معمولاً در مناطق صادرات عمده نفت ، شرکتیهای نفت امتیازات و حقوق مربوط به تولید خود را از طریق انعقاد قرار دادهای دراز مدت و در ناحیه های بسیار وسیع به دست آورده اند . شرکتیهای نفتی از دولتهای مالک منابع نفت تعهد

گرفته‌اند که در مسائلی از قبیل تعیین میزان تولید، مقدار و مقصد صادرات، تعیین قیمت‌ها و مصرف عایدات ارزی خارجی، دخالت نکنند. در حال حاضر معمولاً عایدات دولتها ۵۰ درصد عواید تولیدی نسبت به قیمت‌های اعلان شده است، در حالی که میزان عواید دولت ونزوئلا در سال ۱۹۶۰ به ۶۹ درصد رسید.

این امتیازها به شرکتهای طرف قرارداد موقعی اعطاء شده است که آنها با وجود خطر از بین رفتن سرمایه، حاضر به سرمایه‌گذاری هنگفتی شده‌اند. انعقاد قراردادهای برای دولتهای تولیدکننده مهم نفت عوایدی ایجاد کرده که بیش از حد انتظار آنها بوده است.

با این وجود وضع بودجه و ذخائر ارزی بعضی از این کشورها آن چنان متزلزل است که آنان از میزان توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی خود راضی این نیستند، و از قراردادهائی که بسیار به پیشرفت آنها کمک کرده انتقاد می‌کنند. و این عدم رضایت محلی به آسانی ممکن است متوجه هدفی چون «شرکتهای نفتی خارجی ثروتمند و نیرومند» گردد.

کشورهای تولیدکننده غالباً شکایت دارند که این شرایط امتیازات قراردادهای در موقعی انعقاد یافته است که کشورهایشان تحت قید استعمار بوده و از ارزش حقیقی منابع خود بی‌اطلاع

بوده‌اند، و در نتیجه در آن زمان نمی‌توانسته‌اند شرایط منصفانه تری به دست آورند. می‌گویند بسیاری از نواحی مورد امتیاز بسیار وسیع است، و ممکن نیست از طرف شرکت دارنده امتیاز، در آینده‌ای نزدیک به نحو شایسته‌ای تحت اکتشاف قرار گیرد. در عین حال شکایت دارند که مدت قراردادهای بسیار زیاد است، و در اثر مالیات موضوعه بر اصل ۵۰ : ۵۰ عایدی آنها بسیار کم است. قراردادهای اخیر که متضمن شرایط سهلتری است به این بحران کمک می‌کند. هر چند دادن امتیازهای بیشتر ضمن این قراردادها، معمولاً موجب به خاطر آوردن این واقعیت می‌شود که به علت اکتشاف‌های قبلی در نواحی مجاور، اکتشاف نفت در آینده امید بخش تر خواهد بود. در پنجاه سال اخیر برای تحصیل امتیازات جدید پذیره‌های زیادی به کشورهای نفت‌خیزی چون ونزوئلا و ایران داده شده است. هنگامی که شرکتهای امریکائی، ایتالیائی و ژاپنی امتیازات تازه‌ای در خاورمیانه به دست آوردند آنها با پرداخت بیش از ۵۰ درصد منافع به دولتهای مالک منابع نفتی موافقت کردند و به دولتها اجازه دادند از عواید مربوط به عملیات و توزیع و تصفیه در کشورهای مصرف‌کننده سهمی داشته باشند. ضمناً این شرکتهای قبول کردند که دولتهای تولیدکننده در صورت کشف نفت به مقادیر تجاری مواد نفتی را به قیمت حد اکثر تا ۵۰ درصد سود آن شرکتهای خریداری کنند (اضافه بر مالیات بر درآمد ۵۰ درصد). طبق امتیاز تازه‌ای که اخیراً به شرکت رویال راج - شل نسبت به آبهای منطقه بی‌طرف ساحلی کویت داده شده است، به یک شرکت کویتی این حق داده شده، که در صورت موفقیت آمیز بودن عملیات تا ۲۰ درصد منافع در آن شرکت سهمی باشد. شرکت شل همچنین مکلف است که ۲۰ درصد سهم شریک کویتی را به قیمتی که کمتر از ۱۰ درصد قیمت اعلان شده نباشد، به منظور کمک به شرکت کویتی خریداری کند.

هر چند که بعضی از مقررات و مواد قراردادها که اخیراً بین دولت‌ها و شرکتهای خصوصی منعقد شده است غیر عملی به نظر می‌رسد، ولی شرکت مستقیم

کشورهای تولید کننده در تولید نفت ممکن است در تقاضاها و انتظارات آنها مؤثر واقع شود.

اکثر قرار دادهای موجود تا بعد از پایان این قرن ادامه خواهد داشت. در واقع شرکتهای عملاً در قرار دادهای خود با کشورهای تولید کننده، از احاطه مدت و شرایط دیگر دائماً تجدید نظر کرده و آن را با اوضاع و احوال استثنائی تعدیل و تطبیق کرده اند ولی تجدید نظر در مقررات عملی و مالی مربوط به امتیاز در بیشتر موارد صرفاً نتیجه توافق موقتی بین شرکتهای و دولتها بوده است. هر گاه قدرت دولتها علیه حقوق قراردادی شرکتهای به کار رود به نحوی که موجب تضییع حقوق ناشی از امتیاز شرکتهای گردد، به مقاصد تولیدی خود کشورهای تولید کننده نیز در آخر کار صدمه خواهد خورد. برای حل و تصفیه اشکالات بزرگی که ممکن است در ضمن مذاکره درباره قرار دادهای بلند مدت پیش آید، به راه حل های جدیدی می توان توجه کرد.

در چنین موارد، و همچنین در مواقعی که احتمال تیره شدن روابط بین شرکتهای و دولتها در اثر عدم حصول توافق دو جانبه می رود، این اختلاف ممکن است از طریق حکمیت حل شود. مقصود آنست که در عین نقائص منطقی نسبت به حقوق لاینفک و ذاتی خویش طرفین به حقوق قانونی خود طبق قرارداد و سایر اوضاع و احوال مؤثر، برسند. در حصول چنین توافقی مشکلات و محدودیت هایی وجود دارد. بعضی از مسائل و اختلافها، که اغلب متضمن منافع اساسی هر يك از طرفین است قابل رجوع به داوری نیست. از طرف دیگر هر گاه رجوع به داوری میسر باشد در موارد اختلافی خیلی مهم در اقر پافشاری طرفین درخواستهایشان و عدم تمایل آنها به سازش، حصول توافق بسیار مشکل است. به هر حال در وضع بحرانی که ممکن است در روابط میان شرکتهای و دولتها ایجاد شود و نتایجی که در اثر عدم اطمینان به بار می آید، امکان يك داوری با مقیاس وسیعتر باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

ایجاد سازمان کشورهای صادر کننده نفت در سال ۱۹۶۰
اوپک
 ظاهراً با هدفهای سیاسی کشورهای تولید کننده ارتباط دارد. در حالی که اولین هدف «اوپک» به دست آوردن نظارت بر قیمت های اعلان شده نفت خام بوده است تصمیمات آنها شامل نظارت احتمالی بر تولید و صادرات نیز می باشد. توافق در باره چنین نظارت هایی مؤید آن است که کشورهای تولید کننده آماده شده اند تا در مقابل تصمیمات شرکتهای مقاومت کنند. امر نظارت بر تولید اکنون مطرح نیست، و تقاضاهای پی در پی کشورهای مختلف جهت افزایش تولید خود گواهِ این مطلب است. در عین حال ممکن است عدم توافق برخی از این کشورها موجب شود که هر گونه کوششی در زمینه نظارت بی فایده گردد. با وجود این، فکر تقسیم بین المللی تولید، برای بعضی از کشورهای تولید کننده به عنوان وسیله ای جهت حفظ سطح اضافه تولید، و جلوگیری از تنزل قیمتها، و نگهداری منابع تمام نشدنی، جالب و مفید است. خاصه این فکر از لحاظ اینکه می تواند وسیله ای جهت نظارت بر عملیات نفتی باشد مورد توجه است. پیشنهاد شده است که برای تقسیم بین المللی تولید میان کشورها، از طرحی که عملاً در ممالک متحد امریکا به موقع اجرا گذاشته شده است تبعیت کنند. در این جا نمی توان تفاوت بارزی را که بین تقسیم تولید در داخل

کشوری چون آمریکا وجود دارد، با تقسیم تولید در يك کشور تولید کننده که بر روی صادرات آن اثر خواهد کرد، نادیده گرفت. زیرا مواد تولیدی امریکا در داخل کشور مصرف می شود، در حالی که تقسیم تولید در دیگر کشورها موجب تصادم منافع عده زیادی از شرکتها و کشورها می گردد. در صورتی که چنین نظارت هائی از جانب برخی از کشورهای تولید کننده اعمال شود، این امر در تأمین مواد نفتی مورد احتیاج و شرایط لازم برای دسترسی داشتن جهان غیر کمونیست به نفت اختلال ایجاد خواهد کرد.

هر قسم نظارتی بر تولید یا صادرات بین المللی، حدودش هر چه باشد، کشورهای تولید کننده را به فعالیت برای ازدیاد منافع خود در چهار چوب حدود مقرر بر می انگیزد. همه این کشورها برای اصلاح وضع خود کوشش خواهند کرد که بر اساس سهم مقرر در چنین طرحی، ذخائر نفتی و تولیدی شان را بالا برند، و شرکت هائی که فقط منابع محدودی در مناطق سهمیه بندی شده دارند، وادار خواهند شد که کوششهای نفتی را تشدید کنند. تمام این عوامل به بالا رفتن اضافه تولید کمک خواهد کرد، یا لافل موجب دوام آن خواهد شد. به علاوه نفت با بعضی از کالا های معمولی که در تجارت بین المللی رواج دارند تفاوت بسیار دارد، زیرا در يك دوره کوتاه تولید، قیمتها به مقدار زیادی نوسان می کند. از طرف دیگر نفت از يك تقاضای در حال افزایش و سریع، با قیمت های نسبتاً ثابت بر خور دار بوده و سهم مهمی را در عواید کشورهای تولید کننده داشته است. به این دلایل، و همچنین به علت اشکالاتی که در گرفتن تصمیم نسبت به مسائل سیاسی وجود دارد، تصویب طرح تقسیم بین المللی در آینده نزدیک بعید به نظر می رسد.

وضع فعلی شرکتهای نفتی غربی

حجم ذخائر نفتی و تولید نفت در جهان غیر کمونیست به جز ممالک متحد، با گرفتن امتیازات دراز مدت، به وسیله تعدادی از شرکتهای بزرگ بین المللی، نظیر شرکتهای

امریکائی، انگلیسی، انگلیسی و هلندی، و فرانسوی توسعه پیدا کرده است. این شرکتها همچنین حمل و نقل - تصفیه و توزیع مواد نفتی را در هر يك از کشورهای جهان غیر کمونیست عملاً به عهده گرفته و قسمت اعظم نیازمندی های نفتی جهان را تأمین کرده اند. علت مؤثر بودن آنها، تا اندازه زیادی به این واقعیت بستگی دارد، که آنها شرکتهائی بین المللی و بزرگ هستند.

شرکتهای بزرگ کوششهای نفتی مخاطره آمیز و بسیار نامطمئن را تعهد کرده اند. آنها سرمایه خود را در مناطق مختلفی که وضع جغرافیائی آب و هوا و وضع زمین، عملیات استخراج را مشکل و گران کرده است به کار انداخته اند. با تقسیم و سرشکن کردن مخاطرات، بین عملیات مختلف خود، ثبات وضع مالی آنها دیگر به موفقیت یا عدم موفقیت عملیات خاصی بستگی ندارد. تسلط بین المللی در حمل و نقل و تصفیه و فروش، این شرکتها را قادر ساخته است که برای اکتشاف در بعضی مناطق مبالغ کلانی صرف کنند و هزینه های اکتشاف هائی را که با عدم موفقیت روبرو می شود به عهده بگیرند، و وجوه زیادی را برای توسعه مناطق تولیدی جدید به مصرف برسانند. در واقع وسعت اطلاعات شرکتها درباره روند عرضه و تقاضا، و میزان تحول در بسیاری از نواحی جغرافیائی، و عملیات نفتی مختلف، آنها را قادر می سازد که عوامل زمان و مکان، و میزان سرمایه گذاریشان را با هم تطبیق دهند و برای احتیاجات آینده از پیش طرحی تنظیم کنند. این امر شرکتها را مطمئن می سازد که در کلیه نقاط جهان،

با شرایط مناسبی محصولات نفتی فراوان و متنوعی تهیه شود. بی شک تهیه این فرآورده‌ها یکی از عوامل بسیار مهم در افزایش بارز تولید و مصرف نفت است. به این ترتیب، شرکت‌های نفتی می‌توانند فعالیت‌های منظم و مداوم خود را که نفع آن هم عاید خود آنها، و هم عاید کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت است، دنبال کنند. زیرا در اغلب نواحی میزان محصول به‌طور مستمر افزایش یافته، و سطح قیمت‌ها نسبتاً ثابت مانده، و عوائد دولتهای محلی بالا رفته است. از طرف دیگر افزایش سریع تقاضا در کشورهای مصرف‌کننده نیز تأمین گردیده است. شرکتها با استفاده از شهرت جهانی کشورهایشان توانسته‌اند برای مواقع بحرانی و جنگ تهیه مقادیر مهمی از نفت را تضمین کنند.

اکنون این خطر پیش آمده است که این شرکتها در حفظ کارآئی «Efficiency» عملیات جهانی خود بیش از پیش دچار اشکال شوند. تحولات و جریان‌های اخیر به‌سوی تفرقه و تشتت در صنعت نفت جهان متوجه است و مادام که مساعدت‌های فنی این شرکتها برای به‌ثمر رسیدن عملیات نفتی در همه نقاط جهان لازم است، در صورت محدود شدن دامنه عملیات، آنها بیش از پیش به صورت سازمان‌های خدمات «Service Organisations» در خواهند آمد. اشکال این‌جاست که اضافه تولید نفت، از اهمیت نقش آنها در زمینه‌های اساسی تولید، تصفیه، فروش و سرمایه‌گذاری می‌کاهد.

به هر حال همان‌طور که قبلاً گفته شد، احتیاجات نفتی در حال افزایش جهان، احتیاج به توسعه لاینقطع و فراوان ذخائر شناخته شده دارد و همواره به وسائلی که ذخائر را تبدیل به فرآورده‌های نفتی قابل مصرف کند نیازمند است. در تمام این مراحل صنعت بین‌المللی و وسیع نفت، می‌تواند کمک مؤثری به شمار آید، این کمک شامل طرح و تنظیم برنامه‌هایی برای اکتشاف و تصفیه و توزیع و تقسیم مخاطرات از لحاظ محل و نوع عملیات و تهیه سرمایه داخلی جهت سرمایه‌گذاری‌های لازم بدون احتیاج به استقراض از کشورها می‌باشد، ولی نتیجه بخش بودن همیشگی عملیات صنعتی بستگی به این دارد که تا چه اندازه بتواند، با مشکلاتی که در عمل با آن مواجه می‌شود مبارزه کند، و با سیاست دولتها در مسائلی که با تجارت جهانی نفت سروکار دارد، راه بیابد.

در این مورد ایجاد فرصت‌های مناسب و روشهای مؤثر، جهت تبادل نظر در مسائل مهم میان شرکت‌های نفتی و کشورهای متبوعه‌شان، حائز اهمیت بسیار است. سیاست غرب به توسعه و تکامل مناطقی که شرکتها در آنجا عملیاتی به‌عهده گرفته‌اند بسیار علاقمند است. نه تنها سیاست نفتی غرب در این مورد دست‌اندرکارست بلکه لازم است که تصمیمات شرکتها با توجه کامل به نتایج اقتصادی و سیاسی آتی آنها اتخاذ گردد. به موازات این کار، ضروری به نظر می‌رسد که موفقیت شرکتها تحکیم شود، و طرق مناسبی پیدا کنند تا بتوانند برای مشکلات بزرگی که زائیده وضع صنعتی فعلی است اقدامی نمایند. و نباید از قوانین ضد تراستی آمریکا، که در چنین موارد ممکن است به منافع عمده آنها یا جهان غیر کمونیست لطمه وارد آورد، تفسیر اشتباه آمیزی نمود. در غیر این صورت انتظار نمی‌رود شرکتها بتوانند بی‌طرفانه، بین‌کشورهایی که منافع متضاد دارند وظایف تجاری خود را به نحو مؤثری انجام دهند.

تا سال ۱۹۷۵ مصرف نفت در خارج از امریکای شمالی تا ۵۰ درصد افزایش

خواهد یافت. محصولات نفتی به مصارف متنوعی می‌رسد که شامل صنایع اساسی، و سوق الجیشی است که قبلاً به منابع سوختی در محل متکی بودند. در نتیجه به تأثیرات نامطلوب اقتصادی فعلی، قطع احتمالی جریان نفت، بسیار افزوده است، و این خطر موجود است که این وضع قابل انتقاد آماج عملیات خصومت‌آمیزی گردد.

برای تأمین سعادت و رفاه جهان غیر کمونیست عملیات

تأمین نیازمندیها

نفتی باید تا آنجا که ممکن است مبنای صحیح تجاری داشته باشد. اگر بنا باشد تولید، بیشتر بر اساس ملاحظات سیاسی باشد تا ملاحظات اقتصادی و تجاری، اطمینان به تهیه و تولید، به خطر می‌افتد. در همین حال شرایط اقتصادی بازرگانی و سیاسی که با آن نفت را می‌توان به دست آورد نباید طوری باشد که مصرف‌کننده را از قبول آن منصرف سازد.

هرگاه مسئله را ازین جنبه بنگریم، ملل جهان غرب خاصه کشورهای صنعتی باید هدفشان این باشد که، حتی الامکان با در دسترس گذاشتن سوخت ارزان قیمت، وضع تهیه سوخت را تنظیم کنند، و در عین حال منابع مختلف سوخت را که موجب تأمین مصرف به قیمت‌های مناسب در یک دوره طولانی می‌باشد توسعه دهند. این امر متضمن تأمین واردات نفتی و احیای صنایع داخلی مربوط به تولید سوخت، می‌باشد. کشورهای مصرف‌کننده به وارد کردن هرچه بیشتر از منابع نفتی مناطق تولیدی بزرگ به کشور خود ادامه خواهند داد. به این ترتیب این کار وسیله‌ای برای افزایش تولید و عایدات کشورهای صادرکننده خواهد بود، ولی کشورهای مصرف‌کننده نیز سعی خواهند کرد که از هرگونه بستگی زیاد و قابل انتقاد به تولیدکنندگان احتراز کنند.

حفظ تنوع و پراکندگی منابع نفتی موجب دوام تولید در حال و آتی می‌شود. به کمک منابع متنوع تولیدی نفت، با داشتن صنایع داخلی تولید سوخت، که به طور منطقی به صرفه باشد، می‌توان امیدوار بود که ظرفیت تولید بتواند تکافوی نیازمندی‌های سوختی را در سالهای آینده بکند.

راه ساده‌ای برای تأمین نیازمندی‌های نفتی وجود ندارد. با این حال شاید بتوان راه حل عمومی زیر را ارائه داد: هرگاه تهیه نفت از یک یا چند منطقه تولیدی با اشکال مواجه شود یا آنکه تهیه آن تابع شرایط غیر قابل قبولی باشد، در این صورت منابع دیگر و ذخائر اضافی باید بتوانند فعالیت‌های صنعتی مهم را مدت زیادی نگاه دارند، تا عاقبت کشور تولیدکننده دچار تقلیل در آمد و عکس‌العمل‌های سیاسی و اقتصادی شدید گردد. هرگاه تعطیل فعالیتها قبلاً پیش بینی شود هرگونه تهدیدی نسبت به متوقف شدن عملیات تولیدی به خوبی قابل احتراز است، و هرگاه یکباره با آن مواجه شویم کشورهای مصرف‌کننده با آن به مقابله خواهند برخاست. بی شک بزرگترین عامل تأمین نفت مورد احتیاج، تنوع و ازدیاد مناطق تولیدی است. در این مورد شرکت‌های بین‌المللی بزرگ نفتی با ازدیاد تولید در مناطق وسیعی از جهان نقش بزرگی را بازی می‌کنند. این شرکتها در عملیات خود، از نظر تأمین تقاضاهای روز افزون و غیرمنتظره، یا قطع ناگهانی عرضه، هر یک به تنهایی، موفق بوده‌اند. در سالهای اخیر فعالیت‌های بیشتری برای اکتشاف در مناطق تولیدی جدید به عمل آمده و بر تعداد شرکت‌هایی که به کاوش‌های نفتی اشتغال دارند بسیار افزوده شده است. افزایش تعداد شرکتها در اضافه تولید

فعلی نفت جهان بسیار مؤثر بوده است، از طرف دیگر ازدیاد و تنوع منابع نفتی به جریان مستمر نفت به مدت زیاد در آینده کمک خواهد کرد. در این جا سیاست نفت امریکانیز عامل مهمی است که با تأمین نفت کشورهای واردکننده ارتباط دارد. محدودیت های وارداتی که در ژوئن ۱۹۵۷ به وجود آمد از نظر یک امریکائی دارای تأثیری دو جانبه است. ممالک متحد از آنکا به منابع نفتی که برای رفع احتیاجات اروپا و دیگر کشورهای نیمکره شرقی می باشد امتناع دارد. و اقدامات حمایتی که از طرف صنایع تولیدی امریکا به عمل می آید به حفظ یک « پایگاه ذخائر نفتی » بزرگ کمک می کند. این پایگاه ذخیره، نه فقط برای تأمین نفت مورد احتیاج امریکا، بلکه برای دیگر کشورها در مواقعی که ممکن است منابع دیگر تولید تعطیل شود، مفید خواهد بود. تهیه وسایل برای ذخیره کردن نفت خام و مواد نفتی در داخل کشورهای مصرف کننده، که هم اکنون تا حد زیادی عملی می شود، در تأمین نفت مورد نیاز مؤثر است. مسئله ای که پیش می آید عبارت از هزینه تهیه وسایل انبار کردن و نگهداری حساب موجودیهای نفتی است. شرکتهای نفتی از اهمیت نگاهداری ذخائر نفتی در مناطق مصرفی آگاهند، ولی در عین حال نمی توانند نسبت به بار سنگین چنین هزینه هائی در عملیات تجاریشان بی اعتنا باشند. از طرف دیگر صنایع مصرف کننده و دولتهای ملی علاقمندند که در امر انبار کردن مواد نفتی سهمی باشند. با این اوضاع و احوال، انبار کردن متضمن نوعی تقسیم هزینه بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان و دولتها است.

در عین حال صنایع داخلی تولید سوخت، در صورتی که طبق اصول اقتصادی تولیدشان با صرفه باشد، از حمایت برخوردار خواهند شد. این امر مؤید آن نیست که سوخته های محلی در همه جا بتوانند با سوخته های وارداتی از نظر قیمت رقابت کنند. مثلاً در تجارت جهانی نفت این طور نبوده است. نیازمندیهای نفتی تنها از ارزانترین مناطق تولید تهیه نمی شود. اگر چنین قراری می بود مناطق معدود تولیدی در تجارت جهانی نفت تقدم می یافتند و تولید در محل های دیگر متروک می شد و میزان کاوش نفت شدیداً کاهش می یافت.

برآورد عواید نفت در کشورهای انتخاب شده

در سالهای ۱۹۵۰ - ۱۹۵۵ و ۱۹۶۰

به میلیون دلار

۱۹۶۰	۱۹۵۵	۱۹۵۰	
۲۸۵	۹۱	۴۵	ایران
۲۷۵	۲۰۶	۱۵	عراق
۳۸۵	۲۸۲	۱۲	کویت (۲)
۳۳۵	۲۷۵	۱۱۳	عربستان سعودی
۸۶۵	۵۹۶	۳۳۰	ونزوئلا

در آینده تجارت جهانی نفت ممکن است بستگی یکطرفه ای به تعداد قلیلی از مناطق تولیدی که باقی مانده اند پیدا کنند و به سبب از بین رفتن عادی ذخائر

- ۱ - این عواید شامل حق امتیازها، مال الاجاره ها، حق الزحمه ها، مالیات بردرآمد و غرامات و همچنین شامل مالیات بر عملیات حمل و نقل نیز می باشد.
- ۲ - شامل عواید ناحیه بی طرف نیز هست.

چند منطقه تولیدی روند قیمتهای نفتی به طور سریع بالا رود ، مهمترین چیزی که ممکن است در این موقع نابسامانیهای اقتصادی و اوضاع آشفته سیاسی انتظار داشت ایجاد يك نوع تعادل بین منافع متضادی است که در پیرامون وضع نفت بین المللی دور می زند .

با اینکه این تعادل نسبت به هر گونه توسعه و تکاملی احساس می شود می توان امیدوار بود که این تعادل پیوسته محفوظ بماند .

البته در آینده احتمال نمی رود که وضع تأمین نفت به خوبی گذشته باشد . ولی جهان غرب خواهد توانست با وجود عدم اطمینان و قفسدان همکاری در امور جهانی نفت ، مانند مسائل دیگر از عهده حل آنها برآید . از طرفی نباید این کار را صرفاً به دولتها واگذار کرد . چون در این صورت امکان حل آن بسیار کم خواهد بود . بسیاری از کشورها علاقه مندند برای تأمین منافع خویش در این مرحله دست به اقدامات سیاسی بزنند . صرف نظر از مقاصد و نظریات خصوصی در چنین مواردی ، مهم آن است که از توسعه این مشکلات ، که موجب از بین رفتن تخصیص منطقی منابع ، و موجب عدم انجام مؤثر عملیات نفتی می گردد جلوگیری شود بسی مایه تأسف است که دخالت دولتها در کشورهای تولید کننده موجب بروز عکس العملی در کشورهای مصرف کننده می گردد و به عکس ، اشکال در این جاست که هر مسئله نفتی اعم از آنکه مشکل بازرگانی باشد ، یا مشکلی دیگر امکان دارد که رنگ اختلاف بین دولتها را به خود بگیرد یا آنکه بین بلوک های سیاسی بساعت کشمکش شود و موضوع اختلاف شرق و غرب گردد .

آنچه در این قسمت می آید شاید بتوان آن را به عنوان **نکاتی چند درباره همکاری متقابل** راه حلی برای مشکلات فعلی از نظر واقعیت دانست . یکی از این راه حلها عبارت از همکاری متقابل و مداوم تمام کسان ذینفع در بازرگانی نفت جهانی است . اشکال واقعی آن است که تعدادی از کشورهای تولید کننده به علت داشتن وضع نظارت طبیعی بر منابع عظیم نفتی ممکن است تصور کنند که آنها قدرت خاصی در موازنه نفت جهان دارند . در واقع کشورهای تولید کننده تا حد زیادی به کشورهایی که مشتریان عمده آنها هستند اتکاء دارند ، و نیز به کشورهایی که مسئول توسعه منابع و مسئول فروش تولیدشان می باشند دلگرمند . مثلاً در خاورمیانه در ظرف ده سال گذشته عواید نفتی دولتها از کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار به حدود ۱/۳ بلیون دلار افزایش یافته است . از طرف دیگر کشورهای وارد کننده نیز ، برای تأمین سوخت ، که برای رفاه کشورشان ضروری است ، به کشورهای تولید کننده متکی اند . ناگزیر تغییرات مهمی در مقررات نفت جهان ، از طریق تجدید نظر در امتیازنامهها یا توافقهای مختلف در قرار دادهای جدید ، به عمل خواهد آمد . ولی توجه به همکاری متقابل موجب خواهد شد که هر یک از طرفین از چانه زدن و به کرسی نشاندن حرفشان از طریق عملیات یکطرفه احتراز کنند . محتوی این قرار دادهای جدید هر چه باشد نباید به سرمایه گذاری مستمر لطمه زند . این قرار دادها باید موجب تثبیت منطقی عملیات گردد و شرکتها را از نظر نظارت کافی اداری برای تنظیم و هماهنگ کردن مسئولیت های جهانی آنها نسبت به کشورهای تولید کننده و کشورهای وارد کننده مطمئن سازد .

ولی تا موقعی که اشکالات عصر حاضر سد راه است امید به آینده بی فایده است. همان طور که قبلاً گفته شد. مصرف نفت در سال ۱۹۷۵ در جهان غیر کمونیست به دو بلیون تن در سال ممکن است بالغ شود، که از این مقدار بیش از نصف آن در نیمکره شرقی مصرف دارد.

ظرف بیش از ۱۵ سال، تولید نیمکره شرقی توانست به حدود ده بلیون تن برسد که این مقدار برای احتیاجات نیمکره شرقی و برای پر کردن کسری نیازمندی‌های نیمکره غربی لازم بود.

برای تأمین این احتیاجات روز افزون، منابع نفتی باید در دسترس باشد و سرمایه‌گذاری زیادی نیز مورد احتیاج است. در این مورد خاص است که صنعت جهانی نفت باید نقش اساسی خود را بازی کند. با در نظر گرفتن تقاضا در بین تمام کشورهای مصرف کننده نفت، باید ترتیبی برای تقسیم تقاضا نسبت به تولید در حال افزایش در مناطق موجود داد و در عین حال به اکتشاف در نواحی وسیع ادامه داد. با توجه به تقاضاهای آتی، هم اکنون باید طرحی برای تهیه وسائل لازم تنظیم کرد. برای انجام این کار، صنعت نفت باید در شرایط آزادانه‌ای ترتیب سرمایه‌گذاری و عملیات خود را بدهد. هر گاه فشارهای سیاسی، و بحران‌های جنگ سرد، و نهضت‌های ملی جهان ما را فرا گیرد، شرکت‌های بین‌المللی نفت ممکن نیست بتوانند به تنهایی، مانند یک واحد جهانی سازنده به کار ادامه دهند. صنعت نفت با کمی نظم و قانون قادر خواهد بود در جهانی که سریعاً در حال تغییر است، انجام وظیفه کند. هر چند که تحمل بعضی از تغییرات ممکن است آسان یا دلچسب نباشد، ولی نسبت به افزایش منطقی انتظارات آینده، سهم نفت کمتر از آنچه در گذشته بوده است نباید باشد، و هر گاه صنعت نفت و دولتها بطور مؤثری بتوانند با مشکلات دوره تحول در این صنعت راه بیابند، زمانی خواهد رسید که همه از افزایش فراوان تولید و تقاضای نفت برخوردار گردند.

ترجمه منوچهر فرمان‌نیا

رتال جامع علوم انسانی